

## بررسی تطبیقی ترجمه آیاتی از قرآن در ترجمه ابوالفتوح رازی و الهی قمشه‌ای

خیریه عچرش<sup>۱</sup>

نانسی ساکی<sup>۲</sup>

معصومه تنگستانی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر نگرشی تطبیقی به برخی از آیات قرآن کریم در دو ترجمه فارسی از ابوالفتوح رازی و مهدی الهی قمشه‌ای است. در این پژوهش، ضمن تعریف ترجمه، پرداختن به مبنای جواز یا عدم جواز ترجمه قرآن و تاریخچه‌ای کوتاه از ترجمه‌های فارسی قرآن به ویژه معرفی ترجمه‌های فارسی ابوالفتوح رازی و الهی قمشه‌ای از قرآن، به مقایسه تطبیقی دو ترجمه در برخی آیات قرآن پرداخته شده و به دنبال آن اختلاف‌های مهم بین دو ترجمه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ در موارد اختلاف، ابتدا آیه مورد بحث و به دنبال آن ترجمه رازی و ترجمه قمشه‌ای نوشته شده و پس از شرح مورد اختلاف، با مراجعه به تفاسیر و فرهنگ‌های لغت معتبر و نیز مقاله‌ها و پژوهش‌های قرآنی، ترجمه مناسب معرفی شده است. همچنین در صورت نادرست بودن هر دو ترجمه با استفاده از منابع یاد شده ترجمه مناسب ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: ترجمه، قرآن کریم، الهی قمشه‌ای، ابوالفتوح رازی.

---

۱. دانش‌یار دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

۳. دانش‌پژوه دکتری و مدرس دانشگاه شهید چمران اهواز

## مقدمه

منظور از ترجمه در اصطلاح، انتقال معنای کلام از زبانی به زبان دیگر است. در این انتقال، عوامل بسیاری در تبلور معنایی یک متن و درک مطلب یک متن تأثیر دارد. شناسایی دقیق این عوامل از جانب مخاطب حائز اهمیت است؛ زیرا ممکن است آنچه مورد نظر متکلم است با آنچه مخاطب برداشت می‌کند، فرق داشته باشد. این امر بیان‌کننده آن است که عوامل بسیاری در داد و ستدهای زبانی تأثیر دارد که متون و ابزارهای نظام زبان (صداها، دستورها و واژگان) تنها یکی از آنها است (اصفهانی، ۱۳۸۴، ۴۵).

ضرورت ارائه ترجمه‌ای دقیق و روان از قرآن در عصر کنونی باعث شده تا ترجمه‌های بسیاری با شیوه‌های گوناگون به رشته تحریر در آید. بیشتر این ترجمه‌ها، ترجمه‌های مطابق با متن قرآن به شمار می‌آید که توجه شایانی نیز به روان بودن و شیوایی نثر فارسی داشته است. با توجه به کثرت ترجمه‌ها از متن قرآن، ترجمه پذیرفته‌شده ترجمه‌ای است که متن را به صورت دقیق و با رعایت امانت گزارش دهد و استاندارد ترجمه (توجه به اصالت متن مورد ترجمه، رعایت ساختارهای نحوی دو زبان مبدأ و مقصد، ترجمه بدون پیش‌داوری و بدون تعصب، یافتن معادل‌های صحیح واژگان مطابق متن و غیره) در آن لحاظ شود. ترجمه به گونه‌های متعددی، از جمله ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه آزاد و ترجمه محتوایی تقسیم می‌شود که از میان ترجمه‌های گوناگون، ترجمه محتوایی رایج‌ترین و مشهورترین نوع ترجمه است و عموم مترجمان، پیرو این شیوه ترجمه هستند. در این نوع ترجمه، کوشش مترجم بر آن است که راهی میانه، میان افراط و تفریط را برود؛ یعنی نه ترجمه تحت‌اللفظی و نه شیوه آزاد. او می‌کوشد تا پیام و هدف اصلی متن را برای مخاطب بیان کند (اصفهانی، ۱۳۸۴، ۱۲۰). از آن جهت که هدف اساسی در این روش ترجمه، انتقال دادن معنا، محتوا و پیام متن و نیز روان بودن متن مقصد است، پس بهترین نوع ترجمه به شمار می‌رود. با توجه به نکات مذکور در این پژوهش این دو ترجمه از قرآن - که مترجمان مبنایشان ترجمه محتوایی بوده است - نقد و ارزیابی می‌شود. در بررسی‌ها روشن شده است که مترجمان، با اینکه مبنایشان ترجمه محتوایی بوده است؛ اما در بیشتر آیات همان ترجمه تحت‌اللفظی را در

پیش گرفته‌اند و ترجمه‌ای عاری خطا و اشکال در این باره ارائه نداده‌اند.

## ۱. جواز یا عدم جواز ترجمه

مسأله جواز یا عدم جواز فقهی ترجمه قرآن کریم مورد اختلاف فقها، به خصوص فقهای اهل سنت در طول تاریخ بوده است و از قرون اولیه مورد بحث و مناقشه بنیان‌گذاران مذاهب چهارگانه فقه اسلامی بوده است. چنانکه شافعی، احمد بن حنبل و مالک بن انس، ترجمه قرآن را روا نمی‌دانستند؛ اما ابوحنیفه آن را جایز شمرده و حتی قرائت ترجمه سوره فاتحه به فارسی را در نماز برای کسانی که مشکل در تلفظ آن داشته‌اند، جایز دانسته است. در مقابل، گروهی مانند: زمخشری در «الکشاف»، بیضاوی در تفسیر خود (که گزینشی از «الکشاف» است) و نیز فقهای شیعه همچون شیخ طوسی، محقق حلّی، صاحب جواهر و فقهای معاصر، ترجمه را جایز می‌دانند. در بین علما، فقط شیخ آقابزرگ طهرانی تا حدی سخت‌گیری نموده است، هرچند ایشان نیز قائل به رعایت شرایط ترجمه و جواز آن است؛ اما قرآن‌پژوهان دیگری همچون شیخ مصطفی مراغی، محمد فرید وجدی، کاشف‌الغطاء، آیت‌الله میلانی، امام خمینی (ره) و آیت‌الله خویی به جواز ترجمه قرآن قائل بوده‌اند. دانشمندان پیشین شیعه نیز در زمینه ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر بحثی نکرده‌اند؛ بلکه کلام آنان در این باره است که آیا می‌توان به جای سوره فاتحه، ترجمه آن را در نماز خواند یا نه؟ و این یک بحث ثانوی است که در آن، اصل مشروعیت ترجمه مسلم دانسته شده است.

## ۲. پیشینه نقد ترجمه‌های کهن قرآن به فارسی

نقد و ارزیابی ترجمه‌های قرآن، پدیده‌ای جدید است که پیشینه چندانی در تاریخ این زبان ندارد و عالمان و مترجمان پیشین هرگز در صدد نقد جدی و علمی ترجمه‌های پیش از خود و بر ملاکردن نقایص ترجمه‌های قبل بر نیامدند، گرچه گاه خطاهای آنان را در ترجمه‌های خود، اصلاح و احیاناً شیوه‌های قبل را عملاً در ترجمه خود بهبود می‌بخشیدند یا واژگانی نزدیک‌تر به معنای واژگان قرآنی را در برگردان خویش به کار می‌بردند. علت این امر به طور خلاصه عبارت است از:

الف. به نظر می‌رسد نقد کتاب، آن هم با معنایی که امروزه برای این واژه سراغ داریم در آن زمان هنوز رواج و رونقی بدین‌سان نداشته و سنت نقد، خصوصاً در زمینه ترجمه در محافل علمی آن روز جلوه‌ای آشکار نداشته

است تا در پرتوی آن، ترجمه‌های قرآن نیز به نقد کشیده شود؛ از این‌رو، در آثار کهن شاید به ندرت، مطلبی یافت شود که به نقد ترجمه یکی از آثار علمی یا ادبی آن زمان پرداخته باشد.

ب. با نگاهی به نقدهای نوشته‌شده در نیم قرن اخیر روشن می‌شود که حجم قابل توجهی از ترجمه‌های پیشینیان به عدم رعایت ساختارهای نحوی دو زبان مبدأ و مقصد، دخالت عنصر تفسیر در ترجمه و افزوده‌های تفسیری و عدم رعایت مقتضیات زبان فارسی در برگردان آیات مربوط می‌شود. اما فضای غالب بر ترجمه‌های کهن، تحت‌اللفظی بودن آنها و کمرنگ بودن رعایت ساختارهای نحوی فارسی در آنهاست تا آنجا که یکی از پژوهشگران معاصر در این باره می‌نویسد: «آن بزرگان جرأت نکردند که قرآن را ترجمه کنند، هرچند ما به کار آنها ترجمه می‌گوییم؛ ولی در واقع شاید نام‌گذاری غلطی باشد، بهتر است نام کار آنان را معادل‌یابی بگذاریم» (آذرنوش، ۱۳۷۵، ۴۰).

ج. این احتمال نیز وجود دارد که رواج اندیشه قداست قرآن و نقدناپذیری عبارات و معنای بلند آیات، در ترجمه‌های بشری که از این کلام الهی به عمل می‌آمد، مورد استقبال ناقدان به نقد ترجمه‌های قرآن کریم نبوده است و این بینش نیز بی‌تأثیر نیست. برخلاف ترجمه‌های معاصر که بسیاری از آنها با آنکه هنوز مدت زیادی از تاریخ نشرشان نگذشته، با نقد و گاه با نقدهای متعددی مواجه شده‌اند تا جایی که کمتر ترجمه‌ای از ترجمه‌های دهه‌های اخیر را می‌توان نام برد که زیر ذره‌بین موشکافانه ناقدان معاصر قرار نگرفته باشد.

### ۳. بررسی تفسیر روض الجنان و روح الجنان از ابوالفتوح رازی

این تفسیر در دهه‌های دوم و سوم قرن ششم (پیش از سال ۵۳۳ق) تألیف شده است و در زمینه‌های متعددی چون طرح مسائل فقهی و لغوی و نیز در برخی موارد مباحث روایی به تفسیر آیات پرداخته است و از مباحث سخت کلامی و فلسفی به دور است. این تفسیر در فاصله زمانی اندکی (ده سال) پس از نگارش «کشف الاسرار» میبیدی نگاشته شده است و دومین تفسیر بزرگ فارسی در آغاز سده ششم است.

#### ۱.۳. ترجمه رسمی و مستقل قرآن در کتاب تفسیر روض الجنان

نشر ابوالفتوح در ترجمه قرآن نسبت به نشر رایج زمان خویش، نثری روان و گاه موزون و آهنگین است. کمی حجم ترجمه او با توجه به متن آیات - نسبت به دیگر ترجمه‌ها - از امتیازات بارز این ترجمه است. به گونه‌ای

که برخی از پژوهشگران شیوه ترجمه قرآن ابوالفتوح رازی را در کتاب تفسیر «روض الجنان» تحت‌اللفظی قلمداد کرده‌اند و دقت ترجمه مندرج در تفسیرش را بین ۹۰ تا ۹۵ درصد تخمین زده‌اند (خرم‌شاهی، ۱۳۸۸، ۳۴۹). اما با این وجود این ترجمه نیز به لحاظ کیفی و کمی، نقاط قوت و ضعف دارد که از منظر منتقدان ترجمه پنهان نمانده است. از مهم‌ترین نقاط قوت ترجمه ابوالفتوح رازی این است که او هرگز از کلمات مترداف برای معادل‌سازی واژه‌های قرآن استفاده نکرده؛ بلکه معادل هر کلمه قرآنی، فقط یک واژه فارسی آورده است؛ در حالی که شماری از مترجمان معاصر، بکارگیری واژه‌های مترداف در ترجمه قرآن را جزء لاینفک سبک و سیاق ترجمه خود می‌دانند. برخی از مترجمان چون فیض‌الاسلام و دکتر مصطفی خرم‌دل چنان در این‌باره پیش رفته‌اند که در مواردی حتی چهار تا شش واژه مترداف را معادل یک کلمه قرآنی قرار داده‌اند که به جرأت می‌توان گفت مرتکب حشو قبیح شده‌اند. از نکات دیگر ترجمه ابوالفتوح آن است که از ترجمه طولانی آیات پرهیز کرده و گزیده متن آیات را با توجه به لغات به کار رفته در آیات ترجمه کرده است.

اما از نقاط ضعف در ترجمه ابوالفتوح رازی این است که وی به راستی زحمت ترجمه مجدد در قرآن را به خود نداده؛ بلکه در درجه نخست به همان ترجمه گذشتگان اعتماد کرده است و این امری ظاهراً رایج بوده است. اما در عمل، برخی دشواری‌ها پیش می‌آید که این دشواری‌ها عموماً در دو محدوده قرار می‌گیرد: نخست آن‌که ممکن است مترجمان گذشته در برخی جاها دچار لغزش شده باشند؛ در این صورت بدیهی است که مترجمان بعدی ناچارند خود، ترجمه را اصلاح کنند. نکته دوم آنکه، مترجم نخست، قرآن کریم را از دیدگاه مذهب خود می‌فهمیده و تفسیر و سپس ترجمه می‌کرده است، هرچند که در مقابل ترجمه‌هایی که با مذهب ایشان هم‌ساز نبوده، بی‌تفاوت نمی‌ماندند و کلمات و حتی گاه عباراتی را که خود می‌پسندیدند، به جای معادل‌های کهن می‌گذاشتند. بر این اساس، اعتماد مترجم بر ترجمه گذشتگان ضعف است و نادیده‌انگاشتن چنین عناوینی ترجمه را دچار آسیب جدی می‌کند (آذرنوش، ۱۳۷۵، ۲۰۸). نکته سوم آن‌که، نثر وی در ترجمه متفاوت است؛ یعنی نثری که بخش مربوط به مسائل فقهی، تفسیری و لغوی را گزارش می‌دهد با نثری که به حکایات عنایت دارد، متفاوت است؛ هر چند که این تفاوت در یک بینش کلی طبیعی می‌نماید؛ زیرا هر فضایی، نثر خاص خود را ایجاد می‌کند. اما تفاوت میان دو ترجمه از یک آیه به خصوص، و اصولاً تفاوت میان نثر ترجمه مستقل آیات با بقیه نثر کتاب، مورد پذیرش اصول علمی ترجمه نیست.

#### ۴. ترجمه قرآن الهی قمشه‌ای

ترجمه قرآن قمشه‌ای در حدود سال ۱۳۲۳ شمسی انجام گرفته است و به جای آن که مانند قدما و طبق رسم هزار ساله، ترجمه کلمات و آیات قرآنی را زیر سطرها نوشته باشد، آزادانه در صفحه‌ای جداگانه آورده است. طبق یک سنت مقدس که ناشی از ادب شرعی و رعایت احترام قرآن کریم است، ترجمه قمشه‌ای صفحه به صفحه است، نه سطر به سطر؛ یعنی در یک صفحه (دست راست) متن قرآن، و در صفحه مقابل (دست چپ) ترجمه آن به نثری شیرین، شیوا و فهمیدنی آمده است.

با وجود آن که هیچ ترجمه‌ای مانند ترجمه قمشه‌ای در عصر خود، با استقبال زیاد عامه مردم مواجه نشده است. اما این ترجمه با استقبال علما و قشر خاص اهل علم روبه‌رو نشد؛ زیرا ترجمه وی علی‌رغم نثر شیرین و شیوا، آکنده از غلط‌های علمی است. با این وجود ترجمه حائز اهمیت است؛ زیرا با ورود این ترجمه، عصر ترجمه تحت‌اللفظی هزار ساله به‌سرآمد و عصر ترجمه روان و نسبتاً آزاد قرآن کریم به فارسی آغاز شد (خرم‌شاهی، ۱۳۸۸، ۵۸).

بر این ترجمه، چندین نقد نوشته شده است که اولین نقد را ابوالقاسم پاینده در مقدمه خود از ترجمه قرآن کریم، بدون ذکر نام ایشان ولی با کنایه صریح از الهی قمشه‌ای، آورده است (پاینده، ۱۳۵۴، مقدمه) و بعد از آن، نقدی بر این ترجمه نوشته نشد. اما پس از انقلاب اسلامی، نقد بر این ترجمه افزایش یافت. در این میان، مفصل‌ترین نقد توسط بهاء‌الدین خرم‌شاهی در کتاب قرآن پژوهی صورت گرفت.

#### ۱.۴. بررسی کوتاه کفایت‌ها و نارسایی‌های ترجمه الهی قمشه‌ای

با توجه به شخصیت مرحوم الهی قمشه‌ای و ترجمه قرآن او، سه ویژگی مثبت برای ترجمه او می‌توان برشمرد: الف. اخلاص و صفای باطن مترجم که بی‌شک در عبارات این ترجمه تأثیر نهاده و نورانیت خاصی به آن بخشیده و خواننده را در مواردی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

ب. قلم روان و انشای روان مترجم که فهم عبارات آن را آسان کرده است؛

ج. در واقع، این ترجمه خلاصه تفاسیر است و توضیحات مفید آن در ذیل آیات، فهم آیه را آسان می‌کند. اما

در عین این که ترجمه استاد الهی قمشه‌ای پذیرفته‌ترین ترجمه در عصر جدید بوده است، کاستی‌ها و اشتباهات

فراوانی دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- جایگزینی ضمیرهای غائب، مخاطب و متکلم به جای یکدیگر؛

- بی‌توجهی به صیغه‌های مذکر و مؤنث؛

- بی‌توجهی به معلوم و مجهول بودن فعل‌ها؛

- بی‌توجهی به قرائت فعلی و متواتر؛

- بی‌توجهی به ریزه‌کاری‌های آیات؛

- آمیختگی متن و شرح؛

- جابجایی صفت و موصوف با مضاف و مضاف‌الیه؛

- نقل به معنا؛

- افتادگی‌ها؛

- کاستی ویرایشی؛

- اجمال و تفصیل؛

- عدم ثبات وحدت در معادل‌ها؛

## ۵. بررسی تطبیقی دو ترجمه در برخی از آیات قرآن

با توجه به این که هر دو مترجم قرآن سعی بر آن داشته‌اند که ترجمه کامل و روان از متن آیات در عصر خود ارائه دهند و در این زمینه تلاش خود را کرده‌اند؛ اما ترجمه آنها عاری از خطا و اشکال نبوده است و در ذیل نمونه‌هایی ارائه شده است که به اتفاق هر دو مترجم در ترجمه اصول ترجمه را رعایت نکرده‌اند.

### ۵. ۱. آیه اول سوره مائده

\*يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهِيمَةً الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ

اللَّهُ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ\* (مائده، ۱).

ابوالفتوح رازی: «ای آنان که ایمان آورده‌ای، وفا کنی به عقدها. حلال کردند شما را بهیمه چهارپایان، مگر آنچه خوانند بر شما جز حلال دارند صید و شما مُحَرَّم باشید که خدا حکم کند آنچه خواهد».

الهی قمشه‌ای: «ای اهل ایمان [هر عهدی که با خدا و خلق بستید] به عهد و پیمان خود وفا کنید. [بدانید که] بهائم بسته‌زبان [حیوانات علف‌خوار] برای شما حلال گردید، جز آنچه بعداً برایتان تلاوت خواهد شد و جز آن صیدی که در حال احرام بر شما حلال نیست. همانا خدا هر چه خواهد [و به صلاح داند] حکم کند».

۵. ۱. ۱. اشکالات

ابوالفتوح رازی:

۱. دو فعل «أَمَّنُوا» و «أَوْفُوا» صیغه جمع است که مترجم به اشتباه به صورت مفرد و به «ایمان آورده‌ای» و «وفا کنی» ترجمه نموده است.

۲. در ترجمه حرف «إِنَّ» از قید تأکید استفاده ننموده است.

الهی قمشه‌ای:

۱. واژه «عُقُود» را که جمع «عقد» است، به صورت مفرد «عهد و پیمان» ترجمه نموده است.

۲. فعل «يُتَلَى» مضارع مجهول است؛ اما مترجم آن را به صورت فعل مستقبل ترجمه کرده است.

۵. ۱. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. «عُقُود»: این واژه جمع «عقد» و مصدر است که در اصل به معنای «بستن» است؛ ولی در قراردادهای پیمان‌های سخت و استوار به کار می‌رود. تفاوت آن با «عهد» در این است که «عقد» میان دو طرف بسته می‌شود و در آن بستن و گره خوردن، استواری و اعتماد است؛ اما در «عهد» ممکن است فقط یک نفر باشد (طبرسی، ۱۳۷۳، ۳، ۲۳۴).

ابوالفتوح رازی واژه مورد نظر را به «عقدها»، الهی قمشه‌ای به صورت مفرد «عهد و پیمان» ترجمه نموده‌اند که در این میان ترجمه قمشه‌ای از واژه مورد نظر، دقیق‌تر از ابوالفتوح رازی است.

ب. «بهیمه الأنعام»: این تعبیر ترکیبی از نوع اضافه بیانی است. اضافه «بهیمه» به «أنعام» که همانند «خاتم



الفضّه» است. در اضافه بیانی، همواره مضاف‌الیه بیانگر نوع مضاف است؛ یعنی مضاف انواع متعدّدی دارد و با آمدن مضاف‌الیه، نوع آن مشخص می‌شود. در تعبیر موردنظر نیز همین‌گونه است؛ به این صورت که واژه «بهیمه» به معنای «زبان‌بسته» است و تمامی حیواناتی را که قدرت گویایی ندارند شامل می‌شود، ولی با آمدن «انعام» که در لغت عرب به معنای «شتر، گاو و گوسفند» است (قرشی، ذیل ماده «نعم»)، نوع خاصی از زبان‌بستگان را شامل می‌شود.

این در حالی است که دو مترجم، «بهیمه الأنعام» را به «چهارپایان» ترجمه کرده‌اند و قمشه‌ای هم که خواسته است حفظ امانت بیشتری داشته باشد، آن را به «چهارپایان زبان‌بسته» برگردانده است، در صورتی که هیچ‌یک از دو تعبیر صحیح نیست و با متن آیه مطابقت کاملی ندارد؛ زیرا تعبیر «چهارپایان» حتی اگر شامل همه درندگان نشود، حداقل شامل اسب، استر و الاغ خواهد شد و مقصود از «انعام» اسب، استر و الاغ نیست. چنان که تعبیر «چهارپایان زبان‌بسته» نیز معادل دقیقی نمی‌باشد؛ زیرا در این صورت صفت «زبان‌بسته» قید توضیحی خواهد شد؛ چراکه همه چهار پایان، زبان‌بسته‌اند.

در اینجا ابوالفتوح رازی ترکیب موردنظر را به «بهیمه چهارپایان»، الهی قمشه‌ای به «بهائم بسته‌زبان» ترجمه نموده‌اند.

با توجه به توضیحات بالا، هیچ‌یک از این ترجمه‌ها معادل کاملاً دقیقی نیست و ترجمه دقیق‌تر آن چنین است: «زبان‌بسته‌های دامی (شتر، گاو و گوسفند)».

ترجمه پیشنهادی:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای وفا کنید. گوشت زبان‌بسته‌های دامی [شتر، گاو و گوسفند] برای شما حلال شده است، جز آنچه برای شما خوانده می‌شود؛ در حالی که نباید شکار را در حال احرام، حلال شمارید. بی‌امان خدا هرچه بخواهد، فرمان می‌دهد.»

#### ۵. ۲. آیه سوم سوره مائده

\*حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُودَةُ وَ الْمُتْرَبِيُّ وَ النَّطِیْحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَكْفُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا

مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا  
فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ\*(مائده، ۳).

ابوالفتوح رازی: «حرام کردند بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا برند بر آن و گلو گرفته و به چوب کشته و از بالا درافتاده و آن که به سر و زدن کشته شود و آنچه نیم خورده دده باشد، مگر آنچه کشته باشید و آنچه ذبح کنند بر نام بتان و این که قسمت کنید به تیرهای قمار که این فسق است. امروز کامل گردانیدیم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و پسندیدیم برای شما مسلمانی دین را. هر که را ضرورت باشد در گرسنگی جز بچسبند بزه، خدا آمرزنده مهربان است.»

الهی قمشه‌ای: «برای شما مؤمنان گوشت مردار و خوک و آنچه ذبیحه‌ای را که به نام غیر خدا کشتند، همه حرام شد و نیز حرام است هر حیوانی که به خفه کردن یا به چوب زدن یا از بلندی افکندن یا به شاخ زدن به هم بمیرند و نیز نیم خورده درندگان جز آن را که قبلاً تزکیه کرده باشید حرام است و نیز آن را که برای بتان می‌کشید و آن را که به تیرها قسمت می‌کنید که این کار فسق است. امروز کافران از این که به دین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند طمع بریدند. پس شما از آنان بی‌مناک نگشته و از من بترسید امروز دین شما را به حد کمال رسانیدیم و بر شما نعمت را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم. پس هرگاه کسی در ایام قحطی و سختی از روی اضطراب نه به قصد گناه از آنچه حرام شده مرتکب شود، پس خدا بخشنده و مهربان است.»

۵. ۲. ۱. اشکالات

ابوالفتوح رازی:

۱. دو فعل «حُرِّمَتْ» و «ذُبِحَ» به صیغه مفرد و مجهول است؛ ولی مترجم آنها را به اشتباه به صیغه جمع و معلوم ترجمه کرده است.

۲. ترجمه ایشان از واژه «اسلام» به «مسلمانی»، و «مُتَجَانِفٍ» به «چسبنده» نارسا است.

الهی قمشه‌ای:

۱. «ما» در عبارت «وَمَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ» را به صورت تفسیری و توضیحی «ذبیح‌های» ترجمه نموده است.

۲. «ذُبِحَ» فعل مفرد و مجهول است که مترجم آن را به صیغه جمع و مجهول ترجمه کرده است.

۳. شایسته بود مترجم اضافه‌های تفسیری «دستبرد زنند و اختلالی رسانند» را درون کروشه قرار می‌داد.

۴. ضمیر یای متکلم در ترکیب اضافی «نعمتی» در ترجمه از قلم افتاده است.

۵. واژه «أضطرَّ» فعل شرط می‌باشد و ترجمه آن به صورت «از روی اضطرار» نادرست است.

۵. ۲. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. واژه «ذَكَّى» در عبارت «إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ» به معنای «ذبح کردن و سربریدن و بر تمامی آن بسمل کردن» است.

این کلمه معانی دیگری نیز دارد؛ ولی در قرآن فقط یک‌بار در همین آیه و درباره ذبح حیوان به کار رفته است (ابن منظور، ذیل ماده «ذَكَّى»).

ابوالفتوح رازی عبارت «ما ذَكَّيْتُمْ» را به «آنچه کشته باشید»، الهی قمش‌ای به «آن را که قبلاً تزکیه کرده باشید» ترجمه نموده‌اند.

در این میان، ترجمه ابوالفتوح رازی از عبارت موردنظر قابل قبول است؛ ولی الهی قمش‌ای فعل «ذَكَّى» را به اشتباه، از ماده «تزکیه» دانسته که نادرست است.

ب. واژه «النُّصْبُ» جمع و به معنای «بت‌ها» است و نیز «به هرچیز منصوب و برپاداشته‌شده که معبود واقع شود» نیز گفته می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ۷، ۶۷، ذیل ماده «نصب»).

راغب در این باره می‌گوید: «به سنگ‌هایی گفته می‌شود که آنها را پرستش می‌کردند و همچنین روی آنها قربانی می‌کردند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۰۷، ذیل ماده «نصب»).

ابوالفتوح رازی و الهی قمش‌ای واژه موردنظر را به «بتان» ترجمه نکرده‌اند که با توجه به کتاب‌های لغت، ترجمه هر دو مترجم قابل قبول است.

ج. بیشتر مترجمان واژه «نعمت» را به همان صورت عربی آن در ترجمه خود وارد نموده‌اند.

د. هیچ‌یک از دو مترجم عبارت «رَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» را به صورت معادلی کاملاً دقیق ترجمه نکرده‌اند؛

برای مثال، ابوالفتوح رازی در ترجمه عبارت مورد نظر، واژه «الإسلام» را به «مسلمانی دین» ترجمه کرده است؛ ولی از آنجا که خود این واژه در فارسی نیز کاربرد دارد، شایسته بود مترجم خود واژه «اسلام» را در ترجمه وارد می‌نمود. همچنین واژه مورد نظر مصدر و به معنای «تسلیم شدن» است. شایسته بود الهی‌قمشه‌ای واژه «بهترین» را در ترجمه این عبارت درون کروشه قرار می‌داد.

ه. «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»: در این عبارت مؤکداتی از قبیل: «اسمیه بودن جمله، حرف تأکید إِنَّ و دو واژه غفور و رحیم که هر دو دلالت بر مبالغه دارند و صیغه مبالغه می‌باشند وجود دارد»، ولی هیچ‌یک از مترجمان در ترجمه عبارت مورد نظر، قیدهای تأکید را به کار نبرده است.

و. «ال» بر سر واژه «الیوم»، عهدیه [عهد حضوری] است؛ یعنی آن‌چه «ال» بر آن آمده، خودش حضور داشته است که در عبارت «أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»، «أَلْيَوْمَ» با حضور همان روز خاص [عید غدیر] گفته شده است (هاشمی، ۱۴۱۴ق، ۱۳۲).

ترجمه پیشنهادی:

«مردار، خون و گوشت خوک و آن‌چه به نام غیر خدا کشته شده باشد، حیوانی که به خفه کردن مرده و حیوانی که به زدن [با سنگ و چوب] کشته شده و حیوانی که از بلندی پرت شده و مرده و حیوانی که به شاخ زدن دیگری جان سپرده و آن‌چه درندگان از آن خورده باشند بر شما حرام شده، مگر آن‌چه را [که زنده دریافتی و خود] سر ببرید و آن‌چه بر سنگ‌های مقدس [برای بت‌ها] کشته شود [و آن‌چه به وسیله تیرهای قرعه قسمت کنید]. اینها نافرمانی است. امروز آنان که کافر شده‌اند، از دین شما ناامید گردیده‌اند. پس از ایشان نترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی پسندیدم. پس هر کس در گرسنگی ناگزیر شود، بی‌آنکه متمایل به گناه باشد، بی‌تردید خدا بسیار آمرزنده مهربان است.»

۵. ۳. آیه اول سوره انعام

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ (انعام، ۱).

ابوالفتوح رازی: «سپاس مر خدا را که آفرید آسمان‌ها و زمین را و گردانید تاریکی‌ها و روشنی را. پس آنان که

کافر شدند به پروردگارشان میل کنند از راه حق».

الهی قمشه‌ای: «ستایش خدای راست که آسمان‌ها و زمین را آفرید. روشنی و تاریکی را مقرر داشت. باز کافران به خدای خود شرک می‌آوردند».

۵. ۳. ۱. اشکالات

الهی قمشه‌ای:

۱. واژه «الظُّلْمَات» را که جمع می‌باشد، به اشتباه به صورت مفرد و به «تاریکی» ترجمه نموده است.

۲. «رَبِّ» به معنای «صاحب، مالک و پروردگار» است و ترجمه آن به «خدا» نادرست است.

۵. ۳. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. «الف و لام» کلمه «الْحَمْد» برای استغراق «لام» کلمه «الله» برای اختصاص است؛ یعنی حمد و سپاس به طور کلی به ذات مقدس آفریننده موجودات اختصاص دارد.

ب. «يَعْدِلُونَ»: «عدل» در اصل به مفهوم قرار دادن هر چیزی بر جای خویش و دادن حق هر صاحب حقی آمده است که در برابر ستم و بیداد است؛ اما «عدل» به مفهوم هم‌وزن، همتا، نظیر و شریک آمده است (طبرسی، ۱۳۷۳، ۴، ۴۲۴).

در «قاموس قرآن» ذیل واژه موردنظر چنین آمده است: «شاید مراد از «يعدلون» عدول باشد؛ یعنی آنان که به خدایشان کفر ورزیده‌اند، از حق عدول می‌کنند و شاید «بِرَبِّهِمْ» مفعول آن باشد؛ یعنی برای خدایشان مثل و نظیر قائل می‌شوند. همچنین «عدل و عدول» به معنای «میل کردن و ظلم» نیز آمده است.

ابوالفتوح رازی واژه موردنظر را به «میل کنند»، الهی قمشه‌ای به «شرک می‌آورند» ترجمه نموده‌اند. بر اساس تفسیرها و کتاب‌های لغت ترجمه هر دو مترجم از واژه موردنظر قابل قبول است.

ج. واژه «رَبِّ» به معنای «صاحب و اختیار» است و در فارسی به «پروردگار» ترجمه می‌شود. کتاب‌های لغت «رَبِّ» را به معنای «تربیت‌کننده، مالک و صاحب» معنا کرده‌اند.

ترجمه ابوالفتوح رازی از واژه موردنظر صحیح است؛ ولی ترجمه آن به «خدا» توسط الهی قمشه‌ای نادرست

است.

د. بلاغت آیه: میان دو واژه «السَّمَاوَاتِ» و «الأَرْضِ» فن طباق وجود دارد. همچنین در جمع و مفرد مخالفت وجود دارد؛ به این ترتیب که «النور» به صورت مفرد و «الظلمات» به شکل جمع آمده است و آن از این جهت است که ظلمات از ذرات یا اجرام انبوه و متراکم تشکیل یافته و اسباب متعددی دارد و نور از نار، یعنی آتش می‌باشد که جنسی متحد است.

ترجمه پیشنهادی:

«ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد، با این همه کسانی که کفر ورزیده‌اند، برای پروردگار خود همتا می‌گیرند».

۵. ۴. آیه چهار سوره انعام

\*وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ\* (انعام، ۴).

ابوالفتوح رازی: «و نمی‌آید ایشان را هیچ آیتی از آیت‌های پروردگارشان، مگر آنکه بودند از آن روگردانندگان الهی قمشه‌ای: «هیچ آیتی از آیت‌های الهی بر اینان نیامده، جز آنکه از آن روی گردانیدند».

۵. ۴. ۱. اشکالات

الهی قمشه‌ای:

۱. هر دو مترجم «واو» استینافیه در ابتدای آیه را در ترجمه از قلم انداخته‌اند.

۲. ترجمه ایشان از واژه «رَبِّهِمْ» از دو جهت دارای اشکال است: همان‌گونه که توضیح داده شد، «ربّ» به معنای «صاحب» می‌باشد و ترجمه آن به «الهی و خدا» نادرست است. علاوه بر آن، دو مترجم ضمیر «هم» را که مضاف‌الیه می‌باشد، ترجمه ننموده‌اند.

۵. ۴. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. «مِن» در عبارت «مَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ» برای استغراق جنس می‌باشد که در موضع نفی آمده است و «مِن» در عبارت «مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ»، «مِن» تبعیضیه می‌باشد.

ابوالفتوح رازی در ترجمه «مِن» در جار و مجرور «مِن آيَةً» به منظور بیان استغراق، از واژه «هیچ» استفاده نموده است و عمومیت نفی را بدین گونه بیان نموده است.

ب. از میان دو مترجم، ابوالفتوح رازی واژه «رَبِّهِمْ» را به صورت کاملاً معادل و به «پروردگارشان» ترجمه نموده است. و الهی قمشه‌ای واژه مورد نظر را به «الهی» ترجمه کرده، که نادرست می‌باشد.

ج. «كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ»: ابوالفتوح رازی عبارت مورد نظر را به «بودند از آن روی گردانندگان»، الهی قمشه‌ای به «از آن روی گردانیدند». در این آیه با توجه به این که اسم فاعل «مُعْرِضِينَ» با فعل ناقصه «كانوا» همراه شده است، می‌بایست به صیغه ماضی استمراری «روی برمی‌گرداندند» ترجمه شود.

ترجمه پیشنهادی:

«و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان به آنان نرسید، مگر از آن روی برمی‌گرداندند.»

۵. ۵. آیه پنج سوره انعام

\*فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ\* (انعام، ۵).

ابوالفتوح رازی: «پس به تحقیق که تکذیب کردند به حق چون آمد ایشان را. پس زود بیاید ایشان را خبرهای آن چه بودند که به آن استهزاء می‌کردند.»

الهی قمشه‌ای: «حق را که بر آن‌ها آمد جداً تکذیب کردند. پس به زودی خبر آنان که حق را به فسوس و سخریه گرفتند به شما می‌رسد.»

۵. ۵. ۱. اشکالات

الهی قمشه‌ای:

واژه‌های «فقد، لَمَّا» در ترجمه از قلم افتاده‌اند.

۵. ۵. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. مترجمان در تعیین نوع حرف «فاء» در عبارت «فَقَدْ كَذَّبُوا» اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را «تعلیلیه» و برخی دیگر، آن را «فاء» می‌دانند که بر سر جواب شرط مقدر وارد شده است، با تقدیر: «إِنْ كَانُوا مُعْرِضِينَ عَنْ

الآيات فلا تعجبُ فقد كذبوا بالحقِ». «قد» نیز تحقیقیه است.

در این میان، فقط ابوالفتوح رازی حرف موردنظر را در ترجمه لحاظ کرده است.

ب. همان‌طور که در پیش آمد، هرگاه فعل مضارع با «کان» ناقصه همراه شود، معادل ماضی استمراری است.

در این آیه، عبارت «كَانُوا يَسْتَهْزِؤْنَ» باید به صیغه ماضی استمراری «به ریشخند می‌گرفتند» ترجمه شود. در این

میان، ترجمه ابوالفتوح رازی از عبارت موردنظر معادل‌های مناسب‌تری به کار برده است.

ترجمه پیشنهادی:

«بی‌گمان آنان حق را هنگامی که به سویشان آمد دروغ شمردند، به زودی اخبار آنچه را که به ریشخند

می‌گرفتند، به آنان خواهد رسید» (تنگستانی، ۱۳۹۰، ۱۸۰).

۵. ۶. آیه شش سوره انعام

\*أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَّكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ

جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَآخِرِينَ\* (انعام، ۶).

ابوالفتوح رازی: «آیا ندیدند چند هلاک کردیم از پیش ایشان از گذشتگان، قوت دادیم ایشان را در زمین به

قدری که قوت ندادیم برای شما و فرستادیم آسمان را بر ایشان بارندگی ریزان و گردانیدیم نهرها که می‌رود از

زیر ایشان. پس هلاک کردیم ایشان را به گناهایشان و پدید کردیم از بعد ایشان گروه دیگران را».

الهی قمشه‌ای: «آیا ندیدند پیش از شما چه بسیار گروهی را هلاک نمودیم؛ حال آن‌که در زمین به آن‌ها

قدرت و تمکینی داده بودیم که شما را نداده‌ایم و از آسمان بر آن‌ها باران رحمت ظاهر پیوسته فرستادیم و

نهرها بر آنان جاری ساختیم. پس با آن‌که به انواع نعمت‌های ظاهر و باطن بهره‌مند شدند، چون نافرمانی کردند

آن‌ها را هلاک نمودیم و گروهی را بعد از آن‌ها برانگیختیم».

۵. ۶. ۱. اشکالات

ابوالفتوح رازی:

در ترکیب «قرناً آخرین»، واژه «آخرین» صفت «قرناً» است و از آنجا که واژه «قرناً» نکره است، مترجم باید



ترکیب مورد نظر را به صورت «گروهی دیگر یا گروه دیگری» ترجمه می‌نمود.

الهی قمشه‌ای:

۱. شایسته بود مترجم اضافه‌های تفسیری «پس با آنکه به انواع نعمت‌های ظاهر و باطن بهره‌مند شدند» را درون گروه قرار می‌داد.

۱. ضمیر «هم» در ترکیب «قبلهم» را که به صیغه غایب است، به اشتباه، به صیغه مخاطب ترجمه کرده است.

۲. واژه «آخرین» در ترجمه از قلم افتاده است.

۵. ۶. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. «قَرْن»: به جماعتی گویند که در یک زمان نزدیک به هم زندگی می‌کنند و جمع آن «قرون» است. زجاج گفته است: «به نظر من قرن، اهل هر زمانی است که در آن پیغمبری یا طبقه‌ای از اهل علم بوده است». در «قاموس» و «قرب» آمده است: «قرن، هر امتی است که هلاک شده و احدی از آن باقی نمانده است»؛ ولی قید هلاک شدن مورد تصدیق قرآن نیست، بلکه اعم است. همچون ابتدای آیه که درباره امت هلاک شده است و در عبارت «أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخِرِينَ» که به وجود آمدن مراد است، نه هلاک شدن.

ابوالفتوح رازی واژه «قَرْن» در ابتدای آیه را به «گذشتگان» و بار دیگر به «گروه»، الهی قمشه‌ای هر دو را به «گروهی» ترجمه نموده‌اند. به نظر می‌رسد در این میان تمام واژه‌های به کار گرفته شده توسط مترجمان، معادل‌های قابل قبولی است.

ب. «مدراراً»: به معنای «باران شدید و بسیار» آمده است، این واژه از واژه‌هایی است که در بردارنده مفهوم مبالغه است.

ابوالفتوح رازی واژه مورد نظر را به «بارندگی ریزان»، الهی قمشه‌ای به صورت تفسیری «باران رحمت پیوسته» ترجمه نموده‌اند.

با وجود صحیح بودن ترجمه دو مترجم از واژه مورد نظر، ترجمه آن به «بارانی پیوسته» دقیق‌ترین معادل برای واژه مورد نظر است.

ج. «باء» در عبارت «بِذُنُوبِهِمْ»، سببیه و ترجمه صحیح آن «به سبب گناهانشان» است.

ابوالفتوح رازی آن را به «به گناهانشان»، الهی قمشه‌ای به صورت تفسیری «چون نافرمانی کردند» ترجمه کرده‌اند. در این میان، ترجمه ابوالفتوح رازی با عبارت مورد نظر مطابقت بیشتری دارد.

د. بلاغت آیه:

- در عبارت «مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ» فن التفتات وجود دارد؛ زیرا سیاق مقتضی آن است که گفته شود «ما لم نمکن لهم»؛ اما برای اختصاص دادن طرف مردم بودن به فرستاده خدا، حضرت محمد(ص)، از این شیوه بهره جسته شده است. به علاوه، این التفتات به مخاطب پویایی بیشتر می‌بخشد.

- در عبارت «وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مَدْرَارًا» فن مجاز مرسل با علاقه محلیه وجود دارد؛ زیرا به جای تعبیر باران فراوان [المطر الكثير] از تعبیر «آسمان» استفاده شده است و آن از این جهت است که باران از آسمان می‌بارد.

- در عبارت «جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ» مجاز عقلی وجود دارد؛ زیرا جاری شدن به نهرها اسناد داده شده است، حال آنکه رودخانه محل آب‌هاست و جاری نمی‌شود، آنچه جاری می‌گردد آب رودخانه‌هاست. ترجمه پیشنهادی:

«آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار امت‌ها را نابود کردیم که به آن‌ها در زمین توانایی و قدرت دادیم که به شما آن توانمندی را نداده‌ایم و بر آن‌ها بارانی پیوسته فرو فرستادیم و رودها را از زیر [شهرهای] آن روان ساختیم. پس ایشان را به سبب گناهانشان نابود کردیم و پس از آنان، مردم دوره‌ای دیگر را پدید آوردیم» (تنگستانی، ۱۳۹۰، ۱۵۵-۱۵۷).

۵. ۷. آیه پانزده سوره انعام

\*قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ\* (انعام، ۱۵)

ابوالفتوح رازی: «بگو به درستی که من می‌ترسم این که نافرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روز بزرگ».

الهی قمشه‌ای: «بگو من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن روز بزرگ، سخت می‌ترسم».

ابوالفتوح رازی:

۱. حرف «إِنْ» در ابتدای عبارت «إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي»، شرطیه و به معنای «اگر» می‌باشد و ترجمه ابوالفتوح رازی از آن به صورت «إِنْ» وصلیه نادرست و عبارت موردنظر جمله معترضه است.

۲. واژه «یوم» نکره می‌باشد؛ ولی مترجم در ترجمه آن از علامت نکره استفاده نکرده است.

الهی قمشه‌ای:

۱. واژه «رَب» را به غلط، به «خدا» ترجمه نموده است.

۲. شایسته بود مترجم اضافه‌های تفسیری «آن، سخت» را درون کروشه قرار می‌داد.

۳. ایشان نیز همچون ابوالفتوح رازی، واژه «یوم» را به اشتباه، به صورت معرفه ترجمه نموده است. البته علاوه

بر آن، اسم اشاره «آن» را بر واژه «یوم» اضافه کرده است.

۵. ۷. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

عبارت «إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي» شرطیه و معترضه است (صافی، ۱۴۱۸ق، ۷، ۹۸).

در این جا ابوالفتوح رازی «إِنْ» را به عنوان وصلیه ترجمه کرده است و ترجمه ایشان از عبارت موردنظر نادرست

است. ترجمه الهی قمشه‌ای از عبارت موردنظر معادل قابل قبول تری می‌باشد.

ترجمه پیشنهادی:

«و من - اگر پروردگرم را نافرمانی کنم - از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم» (تنگستانی، ۱۳۹۰، ۱۲۵).

۵. ۸. آیه بیست و شش سوره انعام

\*وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأُونَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ\* (انعام، ۲۶).

ابوالفتوح رازی: «و ایشان بازمی‌دارند از او و کناره جویند از آن و این که هلاک نکنند مگر نفس‌های خود را و

نمی‌دانند».

الهی قمشه‌ای: «همین‌ها هستند که مردم را از فیض محروم می‌دارند و خود از آن دور می‌شوند و غافل از آنند که تنها خود را به هلاکت می‌افکنند».

۵. ۸. ۱. اشکالات

الهی قمشه‌ای:

۱. شایسته بود مترجم اضافه‌های تفسیری «مردم را، خود، غافل از آنند» را درون کروشه قرار می‌داد.

۲. ضمیر «ه» در عبارت «يَنْهَوْنَ عَنْهُ» را به صورت توضیحی و به «فیض» ترجمه نموده است.

۳. عبارت «ما يشعرون» و «واو» در ابتدای آیه در ترجمه از قلم افتاده است؛ این «واو» می‌تواند عاطفه (صافی،

۱۴۱۸ق، ۷، ۱۱۴) یا استینافیه (درویش، ۱۴۱۵ق، ۳، ۹۰) باشد.

۵. ۸. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. «يَنْهَوْنَ» از «نأی» به معنای «دور شدن» است.

ابوالفتوح رازی واژه موردنظر را به «کناره جویند»، الهی قمشه‌ای به «دور می‌شوند» ترجمه کرده‌اند و ترجمه

هر دو مترجم از واژه موردنظر قابل قبول است.

ب. ضمیر «ه» در جار و مجرور «عنه» به قرآن یا ایمان برمی‌گردد. در این جا هیچ یک از دو مترجم به مرجع

ضمیر اشاره‌ای نکرده است. علاوه بر آن، باید ضمیر را به صورت «آن» ترجمه می‌نمودند.

ج. «واو» در عبارت «و ما يشعرون»، حالیه و جمله پس از آن نیز جمله حالیه است. هیچ‌یک از مترجمان،

حالیه‌بودن آن را در ترجمه در نظر نگرفته‌اند.

ترجمه پیشنهادی:

«آنان [دیگران را] از آن باز می‌دارند و [خود نیز] از آن [قرآن] دور می‌شوند و جز خویشتن را نابود نمی‌کنند؛

در حالی که در نمی‌یابند» (تنگستانی، ۱۳۹۰، ۱۶۳).

۵. ۹. آیه سی و یک سوره انعام

\*قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ

أُوْزَارُهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَّا سَاءَ مَا يَزِرُونَ\*(انعام، ۳۱)

ابوالفتوح رازی: «به تحقیق که زیان کردند آنان که تکذیب کردند به رسیدن خدا تا آن که چون آمد ایشان را قیامت، ناگاه گفتند ای ندامت ما بر آن چه تقصیر کردیم در آن و ایشان برمی‌دارند بار گناهان خود را بر پشت‌هایشان. آگاه باشید که بد باری است آن چه می‌کشند».

الهی قمشه‌ای: «انان که لقاء خدا را تکذیب کردند، البته زیانکار شدند. پس آن گاه که ساعت قیامت ناگهان آن‌ها را فرارسد، گویند: وای بر ما که آسایش و سعادت این را از دست بدادیم، پس بار گناهان خویش را بر پشت گیرند. آری بد بار گرانی به دوش می‌گیرند».

۵. ۹. ۱. اشکالات

الهی قمشه‌ای:

۱. در بیشتر موارد «ما»ی موصولی را به صورت تفسیری ترجمه کرده است. در این آیه نیز «ما»ی موصولی در عبارت «ما فَرَّطْنَا» را به صورت تفسیری و به «آسایش و سعادت» و واژه مورد نظر در عبارت «سَاءَ مَا يَزِرُونَ» را نیز به صورت تفسیری و به «بار» ترجمه نموده است.

۲. ترجمه ایشان از عبارت «عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا» به صورت «آسایش و سعادت این روز خود را از دست دادیم»، ترجمه دقیق و معادلی نیست.

۵. ۹. ۲. بررسی تطبیقی ترجمه‌ها

الف. «لِقَاءَ»: به معنای «روبه‌رو شدن و مصادف شدن با شیء» است. گفته‌اند «لِقَاءُ اللَّهِ» به معنای «مرگ» است و آن ملاقات با خداست؛ ولی آیات نشان می‌دهد که آن قیامت و ملاقات نعمت و عذاب خداست.

ابوالفتوح رازی که تفسیرش، کهن‌ترین تفسیر شناخته شده فارسی شیعی است، می‌گوید شیعه ملاقات خدا را می‌پذیرد؛ اما رؤیت و دیدار او را نمی‌پذیرد. به همین دلیل، وی واژه مورد نظر را به «رسیدن» ترجمه کرده و الاهی قمشه‌ای خود واژه «لِقَاءَ» را در ترجمه وارد نموده است.

بنا بر آنچه که آمد، واژه «دیدار» معادلی مناسبی برای «لقاء» نیست.

ب. «السَّاعَةُ»: اسم جامد، به معنای «وقت» است و استعاره برای «قیامت» است.

ابوالفتوح رازی واژه مورد نظر را به «قیامت»، الهی قمشه‌ای به «ساعت قیامت» ترجمه نموده‌اند.

در این میان، ترجمه ابوالفتوح رازی از واژه مورد نظر صحیح است؛ اما ترجمه الهی قمشه‌ای از آن به «ساعت قیامت» نادرست است.

الهی قمشه‌ای در ترجمه خود از قرآن واژه «السَّاعَةُ» را به سه چیز ترجمه کرده است: ساعت قیامت؛ قیامت یا روز قیامت؛ ساعت مرگ، که مورد دوم صحیح است.

فرهنگ‌نویسان عرب دو معنای مهم برای «السَّاعَةُ» آورده‌اند: الف. جزئی از شب و روز، کم‌وبیش به معنای برهه‌ای از زمان و به این معنا هم در قرآن کریم به کار رفته است؛ ب. به معنای «قیامت» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۸، ۱۶۹؛ القاموس‌المحیط؛ تاج‌العروس، ذیل واژه «ساعة»)، که محل بحث است.

ج. «واو» در ابتدای عبارت «وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ» حالیه و جمله پس از آن نیز جمله حالیه است؛ ولی هیچ‌یک از مترجمان آن را در ترجمه خود در نظر نگرفته‌اند.

د. «أوزار»: جمع «وزر» و به معنای «ثقل و سنگینی» است. راغب گفته است: «وزر» به معنای «سنگینی» است، به علت تشبیه به کوه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۶۷، ذیل ماده «وزر»). «وزر» به صورت مصدر و اسم هر دو آمده است [سنگینی، سنگین یعنی بار] و اغلب در گناه به کار رفته که بار سنگینی بر گردن گناهکار است (قرشی، ۱۳۷۱، ۷، ۲۰۵، ذیل ماده «وزر»).

در اینجا دو مترجم آن را به «بار گناهان» ترجمه نکرده‌اند.

ه. «ألا»: حرف تنبیه است و بر تحقیق مابعدش دلالت دارد و نیز به معنای عرض و تحضیض هم می‌آید، به جمله فعلیه اختصاص دارد و به معنای توبیخ، انکار و استفهام از نفی و تمنی نیز می‌آید و در چهار صورت اخیر مخصوص جمله اسمیه است؛ ولی در این جا حرف تنبیه است (الدقر، ۱۴۱۰ق، ۷۴-۷۵).

ابوالفتوح رازی واژه مورد نظر را به «آگاه باشید» و الهی قمشه‌ای به «آری» ترجمه نموده‌اند. با توجه به کتاب-های لغت و تفاسیر، ترجمه ابوالفتوح رازی از واژه موردنظر، دقیق‌تر است.

و. در عبارت «وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ» استعاره تمثیلیه تصریحیه وجود دارد و به معنای «يَحْمِلُونَ ذُنُوبَهُمْ وَ خَطَايَاهُمْ» است. در این جا گناهان به بارهای سنگین تشبیه شده، مشبه، حذف و مشبه‌به باقی مانده است و منظور از آن، بیان حال و شدت مشقت و دردهای آنهاست.

ترجمه پیشنهادی:

«کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند، بی‌گمان زیان برده‌اند تا آن‌گاه که قیامت ناگهان بر آنان فرا رسد، گویند: ای دریغا بر ما! بر آن‌چه درباره آن کوتاهی کردیم؛ در حالی که آن‌ها بارهای سنگین [گناهان] خود را بر دوش می‌کشند».

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت نارسایی ترجمه الهی‌قمشه‌ای بیش از ترجمه ابوالفتوح رازی است. نکات ذیل می‌تواند مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر باشد:

۱. سبک ترجمه ابوالفتوح رازی از نوع ترجمه محتوایی به شمار آمده و دقت ایشان در گزینش واژگان بسیار زیاد است؛ هرچند که وی در بیشتر آیات ترجمه تحت‌اللفظی از آیات را ارائه داده است. ترجمه الهی‌قمشه‌ای، ترجمه‌ای تفسیری (آزاد) است و در واقع، ترکیبی از ترجمه و تفسیر است.

۲. از ویژگی‌های مثبت ترجمه ابوالفتوح رازی، دقت در گزینش واژگان و از ویژگی‌های مثبت ترجمه الهی‌قمشه‌ای، قلم روان و توضیحات مفید است که فهم آیه را امکان‌پذیر می‌کند.

۳. هیچ یک از این دو ترجمه عاری از عیب و نقص نیست. ترجمه تحت‌اللفظی ابوالفتوح رازی در بسیاری از موارد از رساندن مفهوم آیه ناتوان است. ترجمه الهی‌قمشه‌ای نیز اگرچه با استقبال عام مواجه شده است؛ ولی نمی‌توان آن را ترجمه‌ای دقیق به حساب آورد.

۴. ابوالفتوح رازی برعکس الهی‌قمشه‌ای در گزینش واژگان با دقت و نکته‌سنجی خاص، بهترین واژگان را

برگزیده است.

۵. با توجه به محاسن موجود در دو ترجمه، می‌توان چنین برداشت کرد که هر یک از آن‌ها در شیوه و سبک خود و در زمان خود از بهترین نمونه‌های همان سبک به شمار می‌آیند.

## منابع

\*قرآن کریم (۱۳۷۹ش)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ اول، قم: انتشارات الهادی.

\*..... (۱۳۵۴ش)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: جاویدان.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ دوم، ج ۸، بیروت: دار صادر.

۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۹۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محقق: ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

۳..... (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محققان: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصحی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۴. اصفهانی، محمد رضا (۱۳۸۴ش)، *منطق ترجمه قرآن*، چاپ اول، مرکز جهانی علوم اسلامی.

۵. خرّمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۸ش)، *بررسی ترجمه‌های امروزی قرآن کریم*، چاپ اول، قم: مؤسسه ترجمان وحی.

۶. درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن و بیانه*، چاپ چهارم، ج ۳، سوریه: دارالارشاد.

۷. الدقر، عبدالغنی (۱۴۱۰ق)، *معجم القواعد العربیة فی النحو و التصریف*، چاپ اول، قم: منشورات الحمید.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، محقق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت: بی‌نا.

۹. صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق)، *الجدول فی اعراب القرآن*، ج ۷، بیروت: دارالرشید، مؤسسه ایمان.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۱ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳ و ۴، تهران: ناصر خسرو.



۱۱. فیروزآبادی، مجدالدین (بی تا)، *القاموس المحيط*، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.

۱۲. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس القرآن*، ج ۷، تهران: دارالکتب الإسلامية.

۱۳. هاشمی، احمد (۱۴۱۴ ق)، *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع*، بیروت: دارالفکر.

#### مقالات و پایان نامه ها

۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵ش)، «تاریخ ترجمه: ترجمه قرآن (گفت و گو)»، سروش، شماره ۸۲.

۲. تنگستانی، معصومه، نقد و بررسی تطبیقی ترجمه قرآن کریم ابوالفتوح رازی، مهدی الهی قمشه ای، ابوالقاسم

امامی، استاد راهنما: محمودشکیب انصاری، مشاور: خیریه عچرش، پایان نامه دانشگاه شهید چمران اهواز، تیر